

(9)

باسم محبوب عالمیان

یوم یوم الله است و کل ما سویه بر هستی و عظمت و اقتدار او گواه بعضی شناخته و گواهی داده و برخی گواهی میدهند و لکن او را نشناخته‌اند شکی نبوده و نیست که کل در حقیقت اولیه لعرفان الله خلق شده‌اند من فاز بهذا المقام قد فاز بكل الخیر و این مقام بسیار عظیم است بشأنیکه اگر عظمت آن بتمامه ذکر شود اقلام امکانیه و اوراق ابداعیه کفایت ننماید و ذکر این مقام را بانتهای نرساند طوبی از برای نفسیکه در یوم الله بعرفان مظهر امر و مطلع آیات و مشرق ظهورات الطافش فائز شد اوست از مقدسین و مقربین و مخلصین اگر چه این مقام در خود او بشأنی مستور باشد که خود او هم ملتفت نباشد و لکن ظهور آن را وقتی مقرر است مشاهده نما چه بسیار از ناسکین که از رب العالمین محروم مانده‌اند و چه بسیار از تارکین که باین فیض عظیم فائز گشته‌اند چنانچه در اعصار قبل شنیده‌اید مثلاً تمار بلقاء مختار فائز شد و عالم که خود را از اختیار و احبار میدانست محروم ماند قدری تفکر در کلمات منزل آیات نمائید تا از رحیق صافی که در آن مکنونست بیاشامید چه بسیار از عصاة که اریاح رحمت رحمن مرور نمود و ایشانرا طاهر و مقدس فرمود و چه مقدار از عاملین و آملین که بهوایای نفسیه تمسک جستند و از شطر احدیه ممنوع و محروم ماندند امر در قبضه قدرت سلطان مقتدر است نسل الله ان یوفق الکل علی ما یحب و یرضی مشاهده در علمای فرقه شیعه نمائید که خود را اعلی و اعظم و اجل و اکمل از سائر امم می‌شمرند و بعد از هبوب اریاح امتحان و ظهور جمال رحمن بهوی از مکمن قرب و لقا بعید ماندند و از کوثر حضور و وصال نیاشامیدند خود را بهترین خلق می‌شمرند و پست‌ترین آن نزد حق مذکور و مع ذلک شاعر نشده و نیستند نیکوست حال کسیکه از اراده و رضا و مشیت خود بکلمه الهیه طاهر شد و باراده مراد عالمیان پیوست اوست از جواهر خلق نزد حق متعال ای مقبل الی الله بعضی از عباد عبده هوی بوده و هستند و بعضی عبده اقوال چنانچه مشاهده شد که چه مقدار از کتب در اثبات حق نوشتند و لیالی و ایام بذکر او مشغول بودند مع ذلک حرفی از بیانات حق را ادراک نمودند و به غرفه ای از بحر علم رحمن فائز نشدند قدر این ایام را بدان لعمری ما رأت عین الابداع شبهها و حق را مقدس از کل مشاهده کن اوست مجلی بر کل و مقدس از کل اصل معنی توحید اینست که حق وحده را مهیمن بر کل و مجلی بر مرایای موجودات مشاهده نمائید کلرا قائم باو و مستمد از او دانید اینست معنی توحید و مقصود از آن بعضی از متوهمین باوهم خود جمیع اشیا را شریک حق نموده‌اند و مع ذلک خود را اهل توحید شمرده‌اند لا و نفسه الحق آن نفوس اهل تقلید و تقیید و تحدید بوده و خواهند بود توحید آنست که یک را یک دانند و مقدس از اعداد شمرند نه آنکه دو را یک دانند و جوهر توحید آنکه مطلع ظهور حق را با غیب منیع لا یدرک یک دانی باین معنی که افعال و اعمال و اوامر و نواهی

او را از او دانی من غیر فصل و وصل و ذکر و اشاره اینست منتهی مقامات مراتب توحید طوبی لمن فاز به و کان من الراسخین در این مقامات بیانات لا تحصی از قلم اعلی جاری و نازل باید انشاء الله در صدد آن باشید که بیانات عربیه و فارسیه که در این ظهور احدیه از مطلع آیات الهیه نازل شده بقدر قوه جمع نمائید و مشاهده کنید لعمری یفتح من کل کلمة علی قلبک باب العلم و الحکمة ان ربک لهو العلیم الحکیم لذا در این لوح مختصر نازل شده هذا من فضله علیک اشکر ربک فی ایامک بهذا الفضل المنیع نفوسیکه از این کأس آشامیده‌اند و باین مقام اعلی و رفرف اسنی فائز گشته‌اند کلمات ناس در ایشان تأثیر ننماید و اشارات نفسانیه آن نفوس را از شاطی بحر احدیه منع نکند و اینکه بعضی از افتتانات و امتحانات لغزیده و میلغزند آن نفوس فی الحقیقه باین مقام فائز نشده‌اند مثلا اگر شخصی ندای ورقا را فی الحقیقه استماع نماید البته بنعیق حیوانات از او ممنوع نشود در این مقام کلمه ای از مصدر فضل و مطلع رحمت کبری بر تو القا مینمائیم تا از اعراض و اغماض عباد و من فی البلاد و امتحانات قضائیه و افتتانات محدثه از صراط احدیه باز نمائی و بدوام ملک و ملکوت بر امر و حب مالک جبروت ثابت و مستقیم مانی و آن کلمه کلمه‌ایست که لم یزل و لا یزال در کتب الهیه ظاهرا و باطنا بوده و آن اینست که میفرماید یفعل الله ما یشاء و یحکم ما یرید اگر نفسی بعرفان حق فائز شد و او را یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید فی الحقیقه دانست دیگر از هیچ فتنه ای ممنوع نشود و از هیچ حادثه ای مضطرب نگردد اوست شارب کأس اطمینان و اوست فائز بمقام ایقان طوبی لمن شرب و فاز و ویل للمبعدین قدری تفکر نما تا از زلال سلسال بیان مالک مبدء و معاد بیاشامی و چون طیر روحانی خفیف شوی و بهواهای قدس معنوی پرواز کنی و اگر نفسی باین مقام فائز نشود از اهل حق محسوب نبوده و نخواهد بود و فوز باین مقام بعنایت حق سهل و آسان بوده مع ذلک اکثری فائز نشده‌اند الا من شاء ربک المقتدر القدیر چنانچه مشاهده شد بعضی از نفوس ادعای عرفان نموده‌اند و در ظاهر بایام الله و عرفان آن فائز و مع ذلک بامری از امور باسفل سافلین راجع شده‌اند لعمری من سمع ندائی و وجد منه حلاوة بیانی لن تمنعه سطوة الملوک و لا اشارات من علی الارض و لا حجبات العالمین فضل را مشاهده کن بمقامی رسیده که تو در محل خود ساکنی و حق در سجن اعظم مع بلایای لا تحصی بذکر تو مشغول تا از عنایاتش محروم نمائی و از الطافش ممنوع نشوی و بعد از عرفان حق اعظم امور استقامت بر امر اوست تمسک بها و کن من الراسخین هیچ عملی اعظم از این نبوده و نیست اوست سلطان اعمال و ربک العلی العظیم و آنچه از اعمال خواسته بودید در مثل این الواح ذکر آن جائز نه لاجل ضعف عباد و لکن اعمال و افعال حق مشهود و ظاهر چنانچه در جمیع کتب سماویه نازل و مسطور است مثل امانت و راستی و پاکی قلب در ذکر حق و بردباری و رضای بما قضی الله له و الفتاعة بما قدر له و الصبر فی البلیای بل الشکر فیها و التوکل علیه فی کل الاحوال این امور از اعظم اعمال و اسبق آن عند

حق مذکور و دیگر مابقی احکام فروعیه در ظل آنچه مذکور شد بوده و خواهد بود انشاء الله بأنجناب میرسد و بما نزل فی الالواح عامل خواهند شد حال زیاده بر این ذکر آن جائز نه و آنچه از احکام از موثقین شنیده‌اید و یا در الواح الهیه مشاهده نموده‌اید عامل گردید تا بمابقی آن فائز شوید باری روح قلب معرفه الله است و زینت او اقرار بانه يفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و ثوب آن تقوی الله و کمال آن استقامت کذلک ببین الله لمن اراده انه یحب من توجه الیه لا اله الا هو الغفور الکریم الحمد لله رب العالمین جناب اخوی علیه بهاء الله را تکبیر منیع از قبل مظلوم برسانید قل نعیم لک بما اقبلت الی قبلة العالمین قد قدر لکم اجر من فاز بلاقائه و حضر لدی عرشه العظیم در اینصورت رجوع بوطن احسن است که شاید از رجوع شما نجات حبیه بر بعضی مرور نماید و انشاء الله بتأییدات حق بتبلیغ امرش مؤید خواهند شد قلب که ببحر اعظم متصل شد البته از او انهار جاریه بظهور خواهد رسید نظر باضطراب این ارض و شقاوت و غفلت اهل آن بر حسب ظاهر اذن ورود ندادیم و لکن قد کتبنا لکم اجر الواردين قل الحمد لله رب العالمین